

نوشته هربر شافه ۱

ترجمه علی محمد برادران رفیعی

روانشناسی آلفرد آدلر

«رشد آدمی امری فردی و خصوصی نیست؛ انسان محصول اجتماع است.»

«این واقعیت بسیار پراهمیت را فراموش نکنیم که محیط و وراثت عوامل تعیین کننده حیات روانی نیستند. عوامل مزبور استخوان بندی و انگیزش هایی را بوجود می آورند که فرد برحسب قدرت خلاق و ویژه خود به آنها پاسخ می گوید.»

ژورنال علم روانشناسی و مطالعات فرهنگی

دو عبارت فوق تصویری خلاصه از روانشناسی آدلر بدست می دهد. می بینیم آدلر از طرفی به انعکاس عوامل اجتماعی در شکل شخصیت توجه دارد و از سوی دیگر به نوعی نسبت در مورد رفتار و تجارب بشر و نیز درباره شیوه محقق ساختن حوادث زندگی.

نگاهی به زندگینامه آدلر شناخت مسیر تفکر او را آسان تر می کند. آلفرد آدلر، دومین کودک از شش فرزند خانواده، در هفتم فوریه ۱۸۷۰ متولد شده و فرزند یکی از بازرگانان حومه وین بوده است. اگر آنچه را که

۱- Herbert Schaffer این مقاله از مجله Psychotherapies چاپ پاریس شماره ۲

ژوئیه - اکتبر ۱۹۷۱ انتخاب شده است.

آدلر در مورد تأثیر و نقش تعیین کننده حوادث نخستین دوره کودکی انسان بر شکل شخصیت گفته پذیریم پیش آمدهای زندگی خود او ظاهراً اثری قطعی بر ساختمان شخصیتش داشته است. آدلر خیلی زود گرفتار بیماری و وحشت مرگ گردید. او که کودکی ضعیف و مبتلا به نر می استخوان بود از ناراحتی تشنج قسمت حنجره رنج می برد. در حدود ۴ سالگی به ذات الریه مبتلا شد و در آن موقع از پزشک معالج خود شنید که درباره او به پدرش می گفت: «باید او را از دست رفته تصور کنید.» با توجه به اینکه یکسال پیش از این حادثه مرگ برادرش را بچشم خود دیده بود می توان میزان تأثیر این عبارت را بر روحیه او حدس زد. این حوادث موجب شدند که توجه زیادی به مسأله سلامت و بیماری پیدا کند و انتخاب شغل پزشکی نیز محتملاً، حداقل بمقدار زیادی، معلول این خاطرات ناراحت کننده گذشته بوده است.

آدلر در کودکی با علاقه در بازی کودکان شرکت می کرد. فضای سرسبز و گسترده حومه وین برای فعالیت و بازی کودکان بسیار مناسب بوده و او از این موقعیت برای پرورش روحیه جمعی، جرات اجتماعی و حس رفاقت خویش کاملاً بهره وری کرده است.

آدلر از نظر تحصیلی نیز وضع جالبی داشته است. بواسطه ضعیف بودن در درس حساب مرتب مردود می شده بطوریکه سرانجام شورای دبستان او را به ترك تحصیل و یادگیری کاری یدی تشویق کرده است. آدلر که در اثر شکست در امتحان سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود با نهایت کوشش به یادگیری درس حساب پرداخت و پس از مدتی توانست در این درس رتبه اول شود. این موفقیت بر طرز فکر او اثر گذارد و او را به امکانات و اهمیت هر نوع ممارست صحیح و متدیک معتقد ساخت و در

نتیجه نسبت به مفهوم «قربحه و استعداد ذاتی»^۲ مشکوک گردید.

آدلر در سال ۱۸۹۵ از دانشگاه وین به‌اخذ درجه دکتری نائل شد. ابتدا کار خود را در بیمارستان شروع کرد و سپس به‌عنوان پزشک آزاد به‌درمان بیماران پرداخت. نخستین تحقیقاتش مؤید علاقه‌ای است که به مسایل اجتماعی دارد. او همواره بر این اصل تکیه می‌کند که انسان را باید در بافت اجتماعی‌اش مورد بررسی قرارداد.

در آغاز قرن بیستم، آدلر رفت و آمد خود را با انجمن روانکاوان طرفدار فروید آغاز کرد. او بزودی به‌عنوان یکی از حامیان بزرگ جنبش روانکاوی معروف گردید. اما پس از آنکه در سال ۱۹۱۱ در کنگره نورنبرگ گزارشی را تحت عنوان «نقدی بر تئوری جنسی-روانی فروید» خواند از روانکاوی فروید فاصله گرفت. البته از سال ۱۹۰۷ انتشار کتابی از آدلر تحت عنوان «تحقیقی درباره‌ی جبران روانی حالت کهنتری اعضا» وجود چنین اختلافاتی را بین او و مکتب روانکاوی فروید روشن می‌ساخت و نشان می‌داد که همکاری وی با جنبش روانکاوی بیش از پیش دشوار می‌گردد.

«انجمن روانشناسی آدلر» در سال ۱۹۱۲ پس از جدایی آدلر از فروید تأسیس گردید. آدلر برای نشر نظرات خویش مجله‌ای نیز منتشر ساخت و از همین اوان در انستیتوی تعلیم و تربیت شهر وین به‌کار تدریس پرداخت و نخستین کلینیک روانی-تربیتی را در آن شهر تأسیس کرد. دومین اثر آدلر بنام «سرشت عصبی» نیز در همین اثنا انتشار یافت.

آدلر برای مکتب روانشناسی خود نام «روانشناسی فردی و تطبیقی

Psychologie Individuelle et comparée را انتخاب کرده است. با این اصطلاح و با توجه به ریشه کلمه Individuelle که بمعنی غیر قابل تقسیم است می‌خواهد فرد را بعنوان کل و جوهری تقسیم ناپذیر معرفی کند که شناختش تنها در صورتی که در کلیتش در نظر گرفته شود امکان پذیر است. ضمناً فرد را جوهری می‌داند که با هنجار اجتماعی خیالی، آرمانی و انتزاعی مقایسه شده و همین مقایسه نیز امکان راه‌یابی بهتری را در امر درمان بیماران روانی فراهم می‌آورد.

علیرغم توجه روزافزون پزشکان و مربیان به تئوری آدلر دانشگاه وین در برابر افکار او بی‌اعتنا ماند. اما در ممالک متحده آمریکا کار آدلر مورد تحسین قرار گرفت. از سال ۱۹۲۷ تدریس روانشناسی پزشکی را در دانشگاه کلمبیای نیویورک بعهده او گذاردند. چند سال بعد در کالج پزشکی لانگ‌آیلند بعنوان استاد دانشگاه بکارگمارده شد. در سال ۱۹۳۵ برای همیشه در نیویورک مستقر گردید ولی تماس خویش را در عین حال با انجمن‌های ملی روانشناسی که در کشورهای مختلف اروپا تأسیس شده بودند برقرار نگاه داشت. در ماه مه ۱۹۳۷ یک رشته سخنرانی زیر نظر او در اسکاتلند انجام می‌شد. در همین سفر سکتة قلبی او را در خیابان ازپای درآورد.

تحقیقات آدلر را می‌توان بطور خلاصه از چهار جنبه مورد بررسی قرارداد:

- ۱- تئوری شخصیت.
- ۲- منهوم بیماری‌های عصبی (نوروزها) و سلامت روانی.
- ۳- روان‌درمانی.
- ۴- آموزش و کاربرد روانشناسی تربیتی.

تئوری شخصیت آدلر از اعتقادی زیستی سرچشمه می‌گیرد. اعضای ناقص بدن می‌کوشند نقص خود را جبران کنند، این جبران یا در قلمرو زیستی صورت می‌گیرد و یا به کمک کنش روانی. همراه حالت کهنتری زیستی احساس کهنتری روانی وجود دارد. عمل جبران در حول محوری صورت می‌گیرد که متمرکز کنندهٔ علاقهٔ تمام شخصیت است. در اینجا فقط بذكر يك مثال اکتفا می‌کنیم: ضعف چشم در انسان نیاز شدیدی به دیدن، به پرورش قدرت بینائی و همچنین به خواندن و نقاشی کردن بوجود می‌آورد. ضعف مزبور در قلمرو اجتماعی وسیلهٔ جبران و حتی فوق جبران می‌یابد. نقاشان متعددی دچار نقص بینائی بوده‌اند (کاریر^۳، دگا^۴، مسونیه^۵...)

احساس کهنتری ممکن است تمام روان انسان را اشغال کند و ریشهٔ هر نوع اعتماد بخود را بخشکاند و تا حد عقدهٔ کهنتری گسترش یابد. این عقده در آغاز و بنیان هر بیماری عصبی دیده می‌شود و گاهی نیز خود را در حجاب نوعی عقدهٔ خودبتر بینی پنهان می‌کند که بصورت تفاخر، بسندگی و نیاز به تحقیر دیگران تجلی می‌کند.

در واقع نقص زیستی تنها سرآغاز احساس حقارت نیست؛ آدلر بزودی این احساس را بسایر حوادث زندگی اجتماعی نیز مربوط ساخت. کانون خانواده، رویهٔ ویژهٔ والدین در قبال کودک (کودک رها شده، کودک ناز-پرورده، کودکی که مورد بدرفتاری والدین قرار گرفته است)، موقع کودک در بین خواهران و برادران، موقعیت‌های اجتماعی خاص (اقلیت‌های نژادی، قومی، مذهبی و بومی) نیز این احساس را بوجود می‌آورند.

انسان از نخستین سالهای زندگی‌اش با استفاده از آمادگی‌های ارثی

۴- Degas

۲- Carrière

۵- Meissonier

و بهره‌وری از تأثیراتی که از محیط اخذ کرده با استمداد از نیروی خلاقش بمرور اسلوب خاصی برای زندگی خویش بوجود می‌آورد. غایت و هدف این اسلوب خاص ممکن است در جهت خواست اجتماع باشد و یا در صورتیکه شخص نسبت به اجتماع بی‌اعتنا و یا حتی دشمن باشد بعکس در جهت مخالف آن سیر کند.

با این دید بیماری عصبی (نوروز) را می‌توان عبارت از رویه شخصی دانست که حس اجتماعی‌اش باندازه کافی رشد نیافته است و باین جهت روش نادرستی را انتخاب کرده است. او قوانین اجتماع را نوعی اجبار احساس می‌کند و لذا از اطاعت آنها سر می‌پیچد و با عکس‌العمل‌های روانی نابهنجار خویش که امکان محدود ساختن فضای حیاتی را بمقدار قابل ملاحظه‌ای برایش فراهم می‌کنند واکنش نشان می‌دهد.

برعکس سلامت روانی شیوه خاصی از زندگی است که در آن منظور و غایت شخصی و اجتماعی بهم آمیخته شده است. روان‌درمانی در این زمینه می‌کوشد تا جهت نادرست اسلوب زندگی بیمار عصبی را تغییر دهد. بنا بر عقیده آدلر روانشناسی تربیتی با الهام از مفهوم حس اجتماعی و اصل یگانگی شخصیت با غایت خاص خود، برنامه‌ریزی برای اجرا دارد که عبارت از ساختن شخصیت کودک با اتکا بر دو اصل پرورش حس اجتماعی و هدایت کردن نظرات و هدف‌های کودک در مسیری اجتماعی است. «موضوع»^۶ همچون کنش‌های مختلف روانی که نمی‌شود بیرون از ساختمان خاص شخصیت فردی فهمیده شوند باید با توجه به روابط اجتماعی‌اش مورد مشاهده قرار گیرد. بخش بزرگی از روان، و قبل از همه زبان، محصول اجتماع است. بدین ترتیب روانشناسی آدلر به روانشناسی رابطه متقابل

افراد تبدیل می‌شود. این رابطه، به کمک حس اجتماعی از نخستین ماههای زندگی ظاهر می‌شود و بصورت رابطه کودک با مادر و سپس رابطه کودک با پدر و سایر اعضا، کانون خانواده بچشم می‌خورد. بعدها دبستان محل مناسبی برای ایجاد رابطه دوستی خواهد بود. فعالیت‌های شغلی و عشقی موقعیت‌های دیگری برای رشد طبیعی این احساس فراهم می‌آورند. گاهی هم شکستگی حس اجتماعی با مواعی روبرو می‌گردد. وضع کودکانِ نازپرورده و لوس، کودکانِ طردشده، کودکانِ ناقص‌العضو و گوشه‌گیر در اینجا قابل یادآوری است. در این موارد بجای حس اجتماعی میل تسلط بر دیگران و بهره‌کشی از آنان در «موضوع» رشد می‌کند.

حس اجتماعی بعنوان مهم‌ترین مفهومی که آدار در روانشناسی وارد ساخته تلقی می‌شود. این مفهوم امکان می‌دهد تا اهمیت بیماری عصبی (نوروز) و سلامت روانی را درک کنیم.

برای اینکه به پیچیدگی هستی انسان پی ببریم بهتر است آنرا از نظرهای سه‌گانه زیر که مبین فعالیت‌های عمده زندگی هستند مورد دقت قرار دهیم: حرفه، دوستی و زندگی عشقی.

انتخاب شغل گاهی خیالی زود انجام می‌گیرد و در آن نقش همانندسازی^۷ با پدر و یا بایکی از اعضای خانواده غالباً بچشم می‌خورد. ممکن است حالت بی‌اعتنائی یا تردید در قبال نقش شغلی در نوجوان مشاهده شود. چنین رویه‌ای ظاهراً بخاطر اعلام این مطلب است که اولاً دیگران باید به او عطف توجه کنند و دیگر اینکه او خود را متعهد و موظف به شرکت فعال در زندگی اجتماعی احساس نمی‌کند.

تحقیقات انجام شده در زمینه حوادث ناشی از کار نشان می‌دهند که حوادث یادشده غالباً ترجمان نوعی نارضایی کارگر نسبت به فعالیت است که شرایط کار و یا خانواده بر او تحمیل کرده‌اند و گاهی هم آشکارکننده میل وی به سریع‌تر کار کردن از دوستانش، علیرغم سفارشات و قوانین مربوط به ایمنی محیط کار می‌باشد. البته در هر مورد لازم است تجزیه و تحلیلی فردی صورت گیرد.

روابط متقابل شفلی در دوستی پر ارج‌ترین ترجمان خود را باز می‌یابد. همانطور که سیسرون به این مطلب اشاره کرده روابط خانوادگی تحمیلی است در صورتیکه روابط شفلی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در انتخاب دوست و در روابط دوستانه تبادل و دادوستد روانی که آدلر آنقدر بآن اهمیت داده است بهتر و بشیوه‌ای آزادانه‌تر تحقق می‌پذیرد.

زیندگی جنسی و عشقی نیز از اصل غایی شخصیت آدمی تبعیت می‌کند. بعلاوه حل این مساله تنها با همکاری دیگری امکان‌پذیر است. شیوه‌ای که ضمن آن «موضوع» خود را در برابر همسر و هم‌رقصش قرار می‌دهد و بینشی که از مساله فحشا، روابط آزاد و ازدواج دارد اطلاعات وسیعی در مورد درجه حس اجتماعی بدست می‌دهد. بنظر آدلر آگاهی نسبت به تفاوت جنسی که از دوره کودکی دیده می‌شود خود یکی از عناصر مهم تعلیم و تربیت است.

توجه به عامل اجتماعی راه را برای درک روشن انواع بیماری‌های عصبی (نوروز) باز می‌کند. هر بیماری عصبی را می‌توان بعنوان نوعی تلاش برای آزاد شدن از احساس کهنتری و بدست آوردن احساس برتری تلقی کرد. بروز و توسعه بیماری عصبی (نوروز) بجای اینکه در راه فعالیت اجتماعی انجام شود و یا اینکه در جهت حل مسائل حیاتی باشد به انزوای

بیمار در کانون محدود خانواده منتهی می‌گردد. قلمرو وسیع اجتماع بشری بدین ترتیب در اثر وجود حساسیت-پذیری افراطی و نوعی نابردباری و عدم تحمل دیگران رها می‌گردد. محیط اجتماعی به دایره کاملاً محدود محیط خانواده تبدیل می‌شود که بیمار در آن امکان می‌یابد سیاست تسلط جویی خویش را در صورت متنوعش اعمال کند. بدین طریق در عین حال امنیت کناره‌گیری و تقاعد در برابر توقعات اجتماع که انسان را در برابر انتخاب و تصمیم قرار می‌دهد، تحقق می‌پذیرد. بیمار عصبی از عالم واقع روی می‌گرداند و زندگی‌اش را در عالم تخیل و رؤیا پروری^۸ می‌گذراند. و بدین منظور حيله‌هایی بکار می‌برد که به او امکان می‌دهند از مسایل واقعی زندگی دوری کرده و تمایلاتش را بجانب موقعیتی آرمانی هدایت کند و او را در برخی موقعیت‌ها از هرگونه بازده اجتماعی و هر نوع مسؤولیتی معاف سازد.

این بی‌مسؤولیتی و امتیازی که در پرتو بیماری حاصل می‌شود بعنوان جانشینی برای هدف اصلی بیمار بکار می‌رود اما این خطر وجود دارد که حالت بی‌مسؤولیتی هدفی واقعی تلقی شود.

باید بیماری عصبی را بعنوان تلاشی بخاطر رهایی از هر نوع اجباری که جامعه بر فرد تحمیل می‌کند تلقی کرد، تلاشی که به کمک رفتاری مخالف خواست اجتماع انجام گرفته است. این رفتار به گونه‌ای شکل می‌گیرد که بتواند بطور مؤثری در برابر ویژگی محیط و توقعاتش ایستادگی کند. فهرست علائم بیماری عصبی اطلاعات مفید و منتجی در این مورد برای ما فراهم می‌آورد.

رفتاری که بعنوان مخالفت با اجبار محیط پیش گرفته می‌شود

خصوصیت طفیان علیه اجتماع را دارد. مصالح و مواد این رفتار از تجارب عاطفی مناسب موقعیت و یا از تجارب معمولی و روزمره اخذ می‌شود، تجاربی که می‌توانند توجه و دقت شخص را از مسایل اساسی‌اش منحرف کنند. بدین ترتیب بنا به اقتضای شرایط و موقعیت‌ها حالاتی از اضطراب، رفتار حاکی از ترس‌های مرضی یا وسواس‌ها، حالات بیخوابی، گرایش‌های اغمایی، انحرافات جنسی، اوهام، حالات عاطفی مرضی، عقده‌های پسیکاستنی (ضعف روانی) و هیپوکندری (بیماری خیالی) و عکس‌العمل‌های پسیکوتیک (بیماری روانی) تحقق می‌پذیرد که از طرف بیمار بعنوان بهانه‌ای جهت رهایی از الزامات زندگی اجتماعی بکار می‌روند.

حتی منطق در برابر استبداد رفتار ضداجبار اجتماعی تسلیم می‌شود. در بیماری روانی (پسیکوز) این فرایند تا حد زوال عقل پیش می‌رود و منطق شخصی جای عقل سلیم و خرد (حسن مشترك) را می‌گیرد.

منطق، حسن زیبایی‌شناسی، عشق، احساسات بشر دوستی، همکاری و زبان از نیازهای زندگی اجتماعی ناشی می‌شوند. رویه شخص مبتلا به بیماری عصبی که تشنه قدرت است و تنهایی و گوشه‌گیری را جستجو می‌کند بطور غیرارادی بر ضد این ارزش‌ها هدایت می‌شود.

فکر خودکشی و بیماری عصبی و برخی بیماری‌های روانی (پسیکوز) در شرایط یکسانی در انسان ظاهر می‌شوند: موقعی که فرد در برابر مسأله‌ای که به راه‌حلی فوری نیاز دارد و خطر سرخوردگی و تحقیر نیز آنرا تهدید می‌کند قرار می‌گیرد. خودکشی وسیله‌ای است که توسط آن شخص می‌خواهد بر دیگران ضربه وارد آورد، لطمه بزند و آنها را مورد اتهام قرار دهد. منظور از دیگران اطرافیان شخص است و یا بشریت بطور کلی. شخصی که اقدام بخودکشی می‌کند می‌خواهد از این راه اطرافیان خود را بخاطر

ظلمی که بر او روا داشته‌اند تنبیه و مجازات کند. در این مورد شدت پرخاشگری بجانب خود «موضوع» هدایت می‌شود اما او اثری را که بر دیگران ایجاد می‌شود فراموش نمی‌کند. و گاهی خودکشی ترجمان تقاضای کمک است.

بهبودی بیماری عصبی بدون پیدایش نوعی خودآگاهی در شخص نسبت به عواملی که در گذشته موجبات وقفه در سیر طبیعی احساسات اجتماعی اش شده‌اند و بدون درک غایت و هدف غیر اجتماعی یا ضد اجتماعی بیماری عصبی و بطور خلاصه بدون نوعی تغییر غایت و هدف که شخص مبتلایا بسوی رویه‌ها و رفتار اجتماعی نزدیک کند امکان پذیر نیست. شاید لازم بتذکر باشد که منظور از اجتماعی شدن که آدلر از آن یاد می‌کند انطباق با هر نوع اجتماع و بهر قیمت که شده نیست زیرا او مانند هر کس دیگر به تقاضای چنین انطباقی آگاهی دارد. آنچه آدلر از اصطلاح یاد شده در نظر دارد نوعی انطباق‌پذیری و امکان تحول بدون دشواری در محیط اجتماعی است.

در شیوه روان‌درمانی از اطلاعات او داده‌های ناخودآگاه استفاده می‌شود، از قبیل رؤیاهای شبانه و روزانه، تخیلات، یادآوری خاطرات که تعبیرشان بنا بر ساختمان ویژه هر فرد و با توجه به هدف و غایت خاص وی انجام می‌گیرد. از زندگی خودآگاه فرد نیز در شیوه یاد شده استفاده می‌گردد مثلاً از شرح حوادث گذشته یا حال و توجه به آهنگ عاطفی و لحن خاص شرح‌دهنده، توجه به طرح‌هایی که برای آینده دارد، یادآوری کتابها و مطالبی که خوانده‌است همچنین نمایش‌ها و فیلم‌هایی که دیده‌است. می‌دانیم که آدلر به نخستین خاطرات انسان اهمیت زیادی می‌دهد و معتقد است که خاطراتی که از مجموع حوادث زندگی بیاد انسان مانده

دارای اهمیت و خصوصیت سازندگی بوده‌اند .
 و می‌دانیم که آدلر از اعتقاد بهرگونه سمبولیسم قالبی و جزمی در
 تعبیر رؤیاهای روی گردان است. او محتوای رؤیاهارا هم به موقعیت خارجی
 که شخص باید با آن روبرو شود مربوط می‌کند (عامل خارجی) و هم به
 ساختمان ویژه شخصیت فرد (عامل درونی) .

برعکس برخی شیوه‌های روان‌درمانی که جنبه اقتدارطلبی دارند آدلر
 در مصاحبه‌های خود لحنی مهربان دارد که می‌تواند تنش بیمار را به حداقل
 برساند. در شیوه روان‌درمانی آدلر سعی می‌شود از جریحه دار کردن
 حساسیت بیمار دوری کنند. خوش برخوردی و ادب آدلر بسیار معروف
 است. مثال‌هایی که از ادبیات، تاریخ، اسطوره‌شناسی انتخاب شده‌باشند
 و نیز داستان‌هایی که مربوط به موقعیت و به ساختمان روانی بیمار باشند
 تماس اجتماعی بین روان‌درمان و بیمار را آسان می‌کنند و به ایجاد خودآگاهی
 نسبت به برخی از ویژگیهای منش او کمک می‌نمایند .

در پرتو آموزش‌های آدلر نقائص کودکان و ویژگیهای منش آنها که
 ظاهراً غیر قابل فهم هستند، معنایی مخفی را آشکار می‌کنند و نسبت به عمل
 روانی-تربیتی حساسیت می‌یابند . از سال ۱۹۱۰ آدلر در یک رشته از
 تحقیقات خویش رفتار کودکِ نازپرورده و نیز کودکِ محروم از محبت را
 تعریف کرده است . آدلر خطرات تعلیم و تربیت را بر طبق سیستم اقتدار-
 طلبی آشکار ساخته و اهمیت غریزه پرخاشجویی را در زندگی و در بیماری
 عصبی نشان داده است. او بر نقش تربیتی پزشک تکیه می‌کند و نیز به مسأله
 نیاز کودک به محبت توجه می‌نماید. مسأله کودکِ نافرمان، کودکِ مطیع افراطی،
 کودکِ رها شده و بالاخره کودکِ بزهکار موضوعاتی بودند که آدلر در مورد
 آنها مقالاتی نوشته است . خودکشی دانش‌آموزان از این دوره توجه او را

بخود جلب کرده است.

هر نوع تحلیل روانی در مورد بزرگسالان به بررسی وضع نخستین سالهای عمر که در آن اسلوب زندگی هر فرد ساخته می شود منجر می گردد. ریشه دشواری های فعلی هر فرد در همان دوره کودکی قرار دارد. در صورتی که شرایط مولد عقده کهنتری را بشناسیم ممکن است پیدایش آن را از نخستین سالهای عمر پیش بینی کنیم. والدین برای این پیش بینی همیشه صلاحیت و آمادگی ندارند. اما دبستان که همه کودکان مدت زیادی از عمر خود را در آن سپری می کنند محل مناسب و جالبی برای مشاهده و بررسی است. آموزگاری که بدین منظور تربیت شده باشد می تواند علائم عقده حقارت را بسادگی در کودکان کمر و، عصبانی، تسلط جو، پر خاشگر، منفی گرا ملاحظه کند. بر حسب نوع تظاهر کودکان یا آنها را در همان محیط دبستان درمان می کنند و یا باکمک والدین آنان را به روانشناس متخصص در روانشناسی تربیتی و یا روان درمانی معرفی می نمایند. گسترش حس اجتماعی و تشویق کودک از راه گفت و شنودهای توجیهی از دیدگاه آدلر در این موارد بهترین اقدام بازدارنده و ضد بیماری است. در دکتترین آدلر تعلیم و تربیت قدرت و جنبش تازه و مسیر نوینی یافته است.

تحول افکار در روانشناسی مرضی و در روانشناسی بطور کلی صحت عقاید آدلر را نشان می دهد.

ما در طب روان تنی به مفهوم نوعی همبستگی بین روان و تن بر می خوریم و با این اعتقاد روبرو هستیم که برخی از بیماریهای فیزیولوژیک وحتى عضوی از روان بیمار سرچشمه می گیرند.

مفهوم «طرح» که نزد فلاسفه هستی (یاسپرس و سارتر) دارای اهمیت فراوانی می باشد با اصل غایی آدلر کاملاً تطبیق می کند.

از این نظر که آدلر دفاع از روانشناسی جمعی و کلی شخصیت را بر عهده گرفته است عقایدش با روانشناسی گشتالت (ورتمبر^۹، گیوم^{۱۰}) تطبیق می‌کند. طرفداران روانشناسی گشتالت تجزیه روان را که شیوه بررسی تداعی مذهبیان است محکوم می‌کنند. کل پیش از اجزاء سازنده آن ادراک می‌شود. ارزش هر جزء یا هر عنصر از جهت شرکت آن در مجموعه و نقشی که در آن ایفا می‌کند تعیین می‌شود.

باتوجه به اینکه آدلر فرد را در بافت اجتماعی‌اش مطالعه می‌کند عقائدش توسط عقاید کورت لوین^{۱۱} که در قالب اصطلاح «میدان روانی» نوعی کلیت پویا را بیان داشته و حالت روابط شخصی را با محیط اجتماعی‌اش بیان می‌دارد مورد تأیید قرار می‌گیرد. مفهوم «اتم اجتماعی» مورنو^{۱۲} به اصطلاح یادشده نزدیک است.

مکتب شخص‌گرایی^{۱۳} (آلپورت^{۱۴}، مونییه^{۱۵} و اشترن^{۱۶}) که شخصیت را در کلیتش و باتوجه به ساخت‌های ذهنی‌اش مورد بررسی قرار می‌دهد شیوه برداشت آدلر را تأیید می‌کند. پدیده‌شناسی^{۱۷} و ساخت‌گرایی^{۱۸} نیز چنین موضعی دارند.

روانپزشکی اجتماعی سعی دارد مسایل و مشکلات انسان را درک کند و برای این منظور فرد را بعنوان واحدی مجزا در نظر نمی‌گیرد بلکه او را در بافت اجتماعی‌اش مورد بررسی قرار می‌دهد. بستگی و ارتباط این دانش

Guillaume - ۱۰

Wertheimer - ۹

Moreno - ۱۲

K. Lewin - ۱۱

C. S. Allport - ۱۴

Personnalisme - ۱۳

W. Stern - ۱۶

E. Mounier - ۱۵

Structuralisme - ۱۸

Personnalisme - ۱۷

با روانشناسی فردی و تطبیقی آدلر آشکاراست .
در تحقیقی که آدلر در سال ۱۹۱۲ تحت عنوان « تربیت والدین » منتشر
کرد بر مسأله ضرورت تکمیل تعلیم و تربیت کسانی که باید نسل جدید را
پرورش دهند تکیه کرده است . نفوذ افکار آدلر در جنبش تعلیم و تربیت
جدید تردیدناپذیر است .

منابع

آثار آدلر :

- 1— La compensation psychique de l'état d'infériorité des organes suivi de : Le problème de l'homosexualité, Payot, Paris 1956 .
- 2— Le tempérament nerveux, Payot, Paris 1948 .
- 3— Le sens de la vie, Payot, Paris, 1950 .
- 4— Connaissance de l'homme, Payot, Paris 1949 .
- 5— La psychologie de l'enfant difficile, Payot, Paris 1952,
- 6— Pratique et théorie de la psychologie individuelle et comparée, Payot, Paris 1961 .
- 7— Les nevroses : commentaires, observations, Présentations de cas , Aubier Paris, 1969 .

آثاری درباره آدلر :

- 1— H. Orgler : Alfred Adler et son œuvre, stock, Paris, 1968 .
- 2— A. Farau et H. Schaffer : La psychologie des profondeurs des ori-

- gines à nos jours, Payot, Paris, 1960 .
- 3— Clifford Allen : Les découvertes modernes de la psychiatrie, Payot, Paris, 1951 .
- 4— O. Spiel : La Doctrine d'Alfred Adler dans ses applications à l'éducation scolaire, Paris, 1954 .



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی